



8 اکتبر روز جهانی کودک نام دارد

8 اکتبر؛ روز جهانی کودک

یکی از راه های شخصیت دادن به کودکان، بازی کردن والدین با آنهاست. این کار اندکی از وقت والدین را می گیرد، ولی آثار بسیار نیکویی دارد. بازی با کودک می تواند به شکل محبت کردن و شعر خواندن برای او باشد.

مقدمه

کودکان، برکت زندگی و سرمایه های آینده جامعه به شمار می آیند. آنان برای رشد و بالندگی خود، نیازها و در مفهوم دقیق تر حقوقی دارند که باید به درستی به آن پرداخت. با توجه به نقش بی بدیل خانواده در بالندگی شخصیت کودک، پیش از همه، خانواده و سپس جامعه باید این حقوق را به خوبی بشناسند و خود را مکلف به پاس داشت آن بدانند. روز جهانی کودک بهانه ای برای ورود به جهان کودکان است؛ برای ورود به این جهان باید آگاهی های خود را فراموش کنیم و با ناآگاهی های کودکانمان همراه شویم.

نامگذاری روز جهانی کودک

در سال ۱۹۴۶ بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا، مجمع عمومی سازمان ملل به منظور حمایت از کودکان، سازمانی به نام یونیسف را ایجاد کرد که نخست «انجمن بین المللی ویژه کودکان سازمان ملل» نام گرفت. در سال ۱۹۵۳، یونیسف یکی از بخش های دائمی در سازمان ملل متحد گردید و روز ۸ اکتبر روز جهانی کودک نامگذاری شد.

پیمان نامه جهانی حقوق کودک

پیمان نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می کند. دولت هایی که این معاهده را امضا کرده اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت های راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می شود.

این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم الاجرا شده است. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا و سومالی) این سند را امضا کرده اند و در ۱۴۰ کشور اجرا می شود و به این ترتیب مقبولترین سند حقوق بشر در تاریخ می باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این پیمان نامه پیوست، البته با این شرط که هر گاه مفاد پیمان نامه در هر مورد و در هر زمان با قوانین داخلی ایران و موازین اسلامی تعارض پیدا کند، دولت ایران ملزم به رعایت آن نباشد.

محتوای پیمان نامه حقوق کودک

کودک بر اساس ماده یک پیمان نامه حقوق کودک به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می‌شود. مگر آن که قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد. این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل اختیاری بوده که چهار اصول پایه‌ای آنرا جهت می‌دهد: هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد. زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم‌گیری می‌شود، باید منافع عالی آنان در راس قرار گیرد. کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند. کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد.



یکی از اساسی ترین عوامل ایجاد شخصیت در کودک، حسن معاشرت و رفتار نیکو با اوست

والدین، هم بازی کودکان

یکی از راه های شخصیت دادن به کودکان، بازی کردن والدین با آنهاست. این کار اندکی از وقت والدین را می گیرد، ولی آثار بسیار نیکویی دارد. بازی با کودک می تواند به شکل محبت کردن و شعر خواندن برای او باشد. نقل است که حضرت زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام را در کودکی بالا و پایین می انداخت و با او بازی می کرد و برایشان شعر میخواند. همچنین سیره زندگانی پیامبر اسلام، از هم بازی شدن ایشان با کودکان خبر می دهد.

کودک و برنامه های تلویزیونی

کودکان خیلی بیشتر از بزرگ ترها تحت تأثیر فیلم ها و برنامه های تلویزیونی قرار می گیرند. پیامی که از راه برنامه تلویزیونی به کودک ارائه می شود، در فکر و روح آنها به خوبی نقش می بندد. این نقش بسته به ویژگی برنامه های تلویزیونی، می تواند مثبت یا منفی باشد. از یک طرف، خشک ترین مفاهیم در قالب برنامه های جذاب برای بچه ها قابل فهم و پذیرش می شود و از سوی دیگر، برنامه هایی که مانع آشنایی کودک با دنیای واقعیت ها شود و مانند کارتون های تخیلی، با قهرمان های افسانه ای و قدرت های جادویی، او را در دنیای غیرواقعی غرق کند، برای کودک زیان بار است.

خشونت، ماجراجویی و هیجان های کاذب اگر صورت افراطی و پرحجمی در برنامه های تلویزیونی داشته باشد، در تکوین شخصیت کودک، اثر منفی می گذارد و در دوران پس از بلوغ، ناهنجاری های روانی خطرناک در وی ایجاد می کند. بنابراین، بزرگ ترین محبت پدر و مادر در حق فرزندانشان این است که بر کودکان هنگام تماشای تلویزیون نظارت داشته باشند.

میان راهی در محبت

کودکان امروز به دلیل توجه افراطی والدین و رفاه نسبی موجود، رفته رفته به انسان هایی نازپرورده و از خودراضی تبدیل می شوند. دامنه توجه برخی والدین به کودکان به اندازه ای بالاست که گویی آنها کودکان خود هستند، در حالی که زیاده روی در محبت همانند محبت کم، برای کودک ضرر دارد و ریشه امید و نشاط و حیات را در وجود او می خشکاند. تعادل و توازن در مهرورزی، عامل بالندگی و رشد است. آنچه در دین سفارش شده، رعایت میان راهی است.

نتیجه افراط در محبت، پرتوقع بار آمدن کودک، جوانه زدن ریشه های خودپسندی و سرکشی کردن کودکان در برابر حقیقت است. امام باقر علیه السلام این نوع تربیت را بدترین نوع تربیت می شمارد و پدران را که این گونه تربیت می کنند، نکوهش می کند و می فرماید: «بدترین پدران کسی است که در نیکی به فرزند خود زیاده روی می کند.» آزاد گذاشتن فرزند به این معنا که هر کاری دلش می خواهد بتواند انجام دهد، این تصور را در ذهن کودک ایجاد می کند که جهان، تحت فرماندهی اوست. او که اطرافیان را به دیده تحقیر می نگرد، خود، به کودک نامستول، خودخواه و پرخاشگر تبدیل می شود. از این رو، به والدین سفارش می شود رفتار منطقی و معقولی با فرزند خود داشته باشند و از افراط و تفریط در محبت بپرهیزند.

آشنا کردن کودک با سختی ها

یکی از شیوه های شخصیت پروری کودکان، آشنا ساختن آن ها، به ویژه پسران با سختی هاست تا بتوانند در آینده با مشکلات مبارزه کنند؛ زیرا کودکان باید عملاً درک کنند که به دست آوردن هر چیزی، نیاز به کوشش و زحمت دارد و اگر کودکی با مشکلات و سختی ها آشنا نباشد، در آینده در برابر ناملایمات گوناگون زندگی، ناراحت و در نهایت سرخورده خواهند شد. این حقیقت در روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام مشاهده می شود که فرمود: «بهتر است که کودک در کوچکی با سختی و مشکلات اجتناب ناپذیر زندگی روبه رو شود، تا در جوانی و بزرگ سالی بردبار و صبور گردد». البته باید توجه داشت که این آشنا کردن، باید متناسب با توانایی کودک باشد.

آموزش در دوران کودکی

یادگیری در زمان کودکی، به دلیل آمادگی ذهنی بالای کودکان، بسیار سریع تر و بهتر از سایر زمان ها صورت می گیرد. کودک، نسخه ای از یک انسان بزرگ سال است با محدودیت هایی در ادراک و فهم مطالب. در تعالیم اسلامی، سفارش زیادی به آموزش کودکان شده است و ضررهای تأخیر در این مسأله یا بی تفاوت بودن به آن گوش زد شده است. در روایتی از امام علی علیه السلام می خوانیم: «هرکس در کودکی آموزش نبیند، در بزرگی به مقام ارج مندی نمی رسد.»

کودک آزاری

متأسفانه در هر جامعه، کودکانی هستند که از سوی والدین یا دیگر افراد بالغی که مسئولیت آنان را به عهده دارند، آزار ببینند. این آزارها یا به صورت شکنجه فیزیکی است یا صورت روانی دارد. محرومیت از خوراک، پوشاک، نبود توجه و مراقبت، محرومیت از محبت، تحقیر و سرزنش یا تبعیض و توهین، از دیگر انواع آزاری شمرده می شود. آزار فیزیکی و روانی کودک، آثاری مخرب بر روح، روان و شخصیت کودک بر جای می گذارد.

والدینی که با کودک خود این گونه رفتار می کنند، او را همچون اسباب و لوازم شخصی خود و مالک جان آنان می پندارند. در این میان، آموزه های روح بخش و انسان ساز اسلام، به محبت به کودکان، سفارش می کند و بزرگ سالان را از آزار کودک بر حذر می دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «کسی که به خردسالان رحم نکند، از ما نیست.»

بزه کاری و کودکان

بزه کاری در کودکان و نوجوانان، از عوامل گوناگون اثر می پذیرد. از آنجا که محیط خانواده، نخستین محیطی است که فرد در آن رشد می کند، می توان آن را مهم ترین عامل دانست. از نظر روان شناسان، اگر فردی در محیط خانواده از نظر رفع نیازهای اساسی جسمی و روانی مانند نیازهای عاطفی ارضا نشود، احتمال زیاد دارد در آینده به رفتار ضداجتماعی دست بزند.

نبود محبت، ارتباطات صمیمی و تفاهم متقابل از عوامل مؤثر در بزه کاری کودکان و نوجوانان است. کودکی که از محبت پدر و مادر محروم مانده یا درست اشباع نشده است، در خود احساس حقارت، کمبود و محرومیت می کند و برای هر گونه انحرافی آمادگی دارد. بسیاری از تندخویی ها، خشونت ها، لج بازی ها، حساسیت ها، افسردگی ها و ناسازگاری ها، از محرومیت از محبت سرچشمه می گیرد.